

متن پرسش

بسمه تعالی، سلام علیکم: دیگر خودم را نمی‌شناسم! استاد دلم نمی‌دانم کجاست؟، نمی‌دانم کی ام، نمی‌دانم کجایم. بعد از ازدواجم دیگر خودم را نمی‌شناسم. با موجودی غریبه روبرو گشتم که هرگاه عکس هایش را می‌بینم در فکر فرو می‌روم و می‌گویم این منم؟ نمی‌دانم آن امید کجاست و این امید کیست؟ دلم در سوز و گذار و عذاب غرق است کاری ز دستم نمی‌آید. از ضعف، از کم بودن، از نبودن متنفرم. اما دیگر نیستم، کمم، ضعیفم. از برای اینکه عقلی هم درکار نیست، آرزوی توقف می‌کنم. آخر من به پناه و سر و پایی که بعد از سال‌ها زندگی در ظلمات، نور یافتم که بکجاست، حالا هم که پایی و اراده‌ای و چشمی برای رفتن ندارم. بدنبال هرچه بهتر و بیشتر شدن موقعیت‌های رسیدن به خود، سبک زندگی را اصلاح می‌کنیم و مطالعه و ازدواج و ... را پیش می‌گیریم اما پاینبند شد!! من بی‌آه و چاره به کجا درد بزم؟ به که گویم؟ کی مرا می‌فهمد که بخواهم برایش سفره دل باز گردانم؟ استاد به خدا بگویید باز خر ما را زین نفس پلید. به امام زمان بگویید یک کرشمه. التماس دعا

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: این قصه انسان امروزی تاریخ است که بالاخره از حضور دینداری دیروزین باید نسبت به حضور امروزی دینداری که نظر به انسان کامل است؛ هجرت کند و در نسبت با پیامبر و اهل البیت «علیهم‌السلام» به عنوان آیین انسان‌های کامل که قصه نهایت انسانیت ما می‌باشد، خود را جستجو کند و با توجه به همین امر عرایض اخیر تحت عنوان «پیامبر خدا و ائمه علیهم‌السلام و بازگشت به ایمان گمشده (۱ و ۲)»

https://cdn.lobolmizan.ir/uploads/enghelab/bashar_jadid_azadi_va_din/speech/bvf_peyambar_va_aemeh_va_bazghasht_be_iman-۱.MP۳ و

https://cdn.lobolmizan.ir/uploads/enghelab/bashar_jadid_azadi_va_din/speech/qOU_peyambar_va_aemeh_va_bazghasht_be_iman-۲.MP۳ شده است خوب است به آن مباحث رجوع شود. آری! https://eitaa.com/ayaat_۱۱۰/۲۳۵۳۸ موفق باشید